

ابومسلم محمد بن مهرایزد نحوی، ادیب اصفهانی (۳۶۶ - ۴۵۶ ه.ق)

دکتر سید احمد تویسرکانی *

چکیده

ابومسلم محمد بن علی بن حسین بن مهرایزد، ادیب نحوی سده‌های چهارم و پنجم هجری است که نام او در برخی از منابع سده ششم و پس از آن آمده است. وی به سال ۳۶۶ق در محله درب کوشک اصفهان ولادت یافت و پس از طی مدارج علمی، از دانشمندان حوزه علمی اصفهان گردید. از جمله استادان او ابن مقرئ اصفهانی است و از مشهورترین شاگردان او خواجه نظام الملک و حمای اصفهانی را می‌توان نام برد.

گرچه ابومسلم از بزرگان ادب اصفهان بوده است؛ اما ظاهراً در بین دانشمندان با عنوان مفسر از او یاد نمی‌شده و احتمالاً در تفسیر و تأویل برخی از آیات قرآن کریم صاحب نظر و رأی بوده است؛ از وی تفسیر مکتوبی به دست نیامده و در آثار گذشتگان نیز تفسیری که منسوب به وی باشد وجود ندارد، اما در برخی از متون به سبب شباهت نام، به اشتباه گاه او را مفسر دانسته و تفسیری به وی نسبت داده‌اند.

واژه‌های کلیدی

ابومسلم ابن مهرایزد، معلّم الاصفهانی، محاسن اصفهان، مهرایزد الاصبهانی معتزلی.

مقدمه

محمد بن حسین بن مهرایزد^۱ از دانشمندان و مفاخر علمی اصفهان و ادیب نحوی در سده پنجم اسلامی است از جمله مشایخ و استادان او ابوبکر محمد بن ابراهیم بن علی معروف به ابن مقرئ اصفهانی^۲ است. وی از علماء و محدثین بزرگ قرن چهارم است که به مراکز علمی عصر خود از جمله شام، مصر، نیشابور، یمن و دیگر بلاد اسلامی در کسب دانش و استماع حدیث مسافرت کرده و بسیاری از علماء و محدثین اصفهان از مجلس درس او بهره مند گردیده‌اند که

* - دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

از آن جمله ابومسلم ابن مهرایزد است. ابومسلم به سال ۳۶۶ ق در محله درب کوشک اصفهان دیده به جهان گشود و پس از فراگرفتن علوم مقدماتی و رشد علمی، از دانشمندان بزرگ حوزه علمی اصفهان شد. از بزرگان علمی که از محضر او استفاده کرده‌اند، یکی ابوعلی حسن بن علی معروف به خواجه نظام الملک وزیر، (مقتول ۴۸۵ ق) و آخرین فرد از بازماندگان استفاده کننده از محضر او، شیخ معمر عالم محدث، ابوالقاسم اسماعیل بن علی صوفی اصفهانی معروف به حمّامی (م- ۵۵۱ق) است. ابومسلم در سن ۹۳ سالگی به سال ۴۵۷ و یا ۴۵۹ ق در اصفهان در گذشت.

در **طبقات المفسرین سیوطی** (م- ۹۱۱ق)، در ترجمه حال او آمده ابومسلم ادیب مفسر و عارف به علم نحو و غالی در مذهب اعتزال دارای تفسیری در بیست مجلد است (سیوطی، بی تا) و همو در بغیة الوعاة از او با این عبارت: «المعلم الاصبهانی ابومسلم صنف التفسیر و کان عارفاً بالنحو غالباً فی الاعتزال» به عنوان معلم یاد کرده است (سیوطی، ۱۳۹۹).

طبقات المفسرین داوودی هم از او با اوصاف نحوی، معلم ادیب اصفهانی و مؤلف تفسیری کبیر در بیست مجلد و عارف به دانش نحو و غالی در مذهب معتزله نام برده است (داوودی، بی تا: ۲/۲۱۳).

کتاب محاسن اصفهان، ذیل عنوان **متقدمین اساتید و بزرگان دانش نحو و اعراب و بصیر و بینا به کلمات و لغات عرب و شعراء و نویسندگان و کتاب بزرگ به فارسی و عربی و پدید آورندگان معانی و مضامین عالیه و زیبا و دلنشین**، از هشتاد و یک نفر مثل ابو علی مرزوقی و خطیب اسکافی و راغب اصفهانی و ابوسعید رستمی و غیره نام برده که از جمله آنها ابومسلم ابن مهرایزد است (مافروخی اصفهانی، ۱۳۵۲: ۳۱). البته در محاسن اصفهان تنها نام ابومسلم ذکر شده است؛ اما در سیر اعلام النبلاء^۳ در شرح حال او آمده: شیخ علامه نحوی و مفسر معتزلی ابومسلم مهرایزد صاحب تفسیر بزرگی است، در بیست مجلد و حافظ یحیی بن منده اصفهانی^۴ در مورد وی آورده: او عارف به دانش نحو و غالی در مذهب اعتزال بوده و نسخه ای از تفسیرش در مصر نزد امام شرف الدین مرسی^۵ بوده و کسانی که از او روایت می کنند عبارت اند از سعید بن ابی الرجاء صیرفی (م- ۵۳۲ق)، حسین خلّال (ابوعبدالله حسین بن عبدالملک) (م- ۵۳۲ق) و محمد بن حمد کبریّتی (م- ۵۳۲ق).

ظاهراً چنین استفاده می شود که آنچه در این کتاب آمده برگرفته از کتاب **انباء الرواة بانباه الثجاة قفطی متوفای ۶۴۶ق**^۶ است و عبارت او در این کتاب چنین است:

«مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ مَهْرَايَزْدِ أَبُو مُسْلِمٍ التَّحَوِيُّ الْاِصْبَهَانِيُّ، صَنَّفَ التَّفْسِيرَ وَكَانَ عَارِفًا بِالنَّحْوِ، غَالِبًا فِي مَذْهَبِ الْاِعْتِزَالِ آخِرَ مَنْ حَدَّثَ بِاصْبَهَانَ عَنِ ابْنِ الْمُقْرِيِّ، سَكَنَ بَابَ كُوشِكٍ وَمَاتَ فِي سَنَةِ ۴۵۹ ق كَانَ هَذَا التَّفْسِيرُ أَحْضَرَ مِنْ اِصْبَهَانَ مَعَ بَعْضِ الثَّجَارِ الْجَهْلَةِ بِهِ وَهُوَ فِي عَشْرِينَ مُجَلَّدًا أَوْ نَحْوَهَا فَافْتَرَقَ مِنْهُ أَوْلَاهُ وَأُبْعَ بَاقِيَهُ بِدَمَشَقٍ وَكَانَ تَاجِرُهُ مِنْ أَهْلِ الرُّصَافَةِ^۷ فَابْتَاعَهُ مِنْهُ رَجُلٌ اَنْدَلُسِيٌّ مِنْ أَهْلِ مَرْسِيَّةَ يَعْرِفُ بَابِنَ أَبِي الْفَضْلِ. وَلَمَّا وَصَلَ الْكِتَابُ إِلَى مِصْرَ اسْتَعْرَبَهُ أَهْلُهَا وَجَهَلُوا مُصَنَّفَهُ فَأَبْرَدُوا إِلَى بَرِيدٍ مِنْ مِصْرَ يَسْأَلُونَ عَنْهُ فَكَتَبَتْ إِلَيْهِمْ بِحَبْرِهِ نَاقِلًا ذَلِكَ عَنِ كِتَابِ يَحْيَى بْنِ مَنْدَةَ فِي تَارِيخِ اِصْبَهَانَ وَحَمِدَتْ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الَّذِي أَبَقَا فِي الْعَالَمِ مَنْ يَبْحَثُ عَنْ شَيْءٍ مِنَ الْعِلْمِ».

[ابو مسلم محمد بن علی بن مهرایزد، دانشمند نحوی اصفهانی و عارف و آگاه به ادبیات عرب و غالی و سرسخت در افکار و عقاید معتزلی ساکن محله درب کوشک اصفهان، مصنف تفسیری در بیست مجلد یا در این حدود است. این تفسیر را یکی از بزرگانان اهل رصافه شام و بی اطلاع از خصوصیات و مؤلف آن، از اصفهان به دمشق آورد و با

نداشتن جزء نخستین به شخصی از اهالی مُرسیه اندلس معروف به ابن ابوالفضل فروخت و آنگاه که این تفسیر به نظر دانشمندان و علماء مصر رسید؛ موجب اعجاب و شگفتی آنان گردید و در مقام شناخت مؤلف آن برآمدند و به این منظور فردی را به مصر نزد من فرستادند و من با مراجعه به تاریخ یحیی بن منده اصفهانی مؤلف آن را شناخته و در برنامه ای برای آنها فرستادم و خداوند را حمد و سپاس گفتم بر وجود افرادی که در مقام علم و آگاهی می باشند].

نگارنده را حدس قوی بر این است که مآخذ ذهبی در نسبت تفسیر مذکور به ابومسلم ابن مهرايزد در تمام کتب و مصنفاتش بر اساس گفتار قفطی در کتاب انباه الرواة است، و نقل دیگر منابع یا از کتب ذهبی است و یا مستقیم از کتاب قفطی، و شکی نیست که ترجمه او قطعاً در تاریخ اصفهان ابن منده بوده؛ ولی آیا با ذکر تفسیر و توصیف آن به بیست مجلد در عبارت قفطی؛ «و هو فی عشرين مجلداً أو نحوها»، آن تفسیر در بیست مجلد است یا در این حدود و آیا وصف ابومسلم به غالی در مذهب اعتزال نیز برگرفته از تاریخ ابن منده است یا نتیجه بررسی دانشمندان و علمای مصری در مطالب آن تفسیر؟ آیا نسبت تفسیر به ابومسلم مذکور، در مجلداتی که فاقد جلد نخست بوده، در پایان مجلد نخست یا در مجلدات دیگر بوده با ذکر آباء یا نام ابومسلم به طور مطلق بوده و یا به اضافه نام محمد؟ در دو صورت اخیر باز هم دلیلی وجود ندارد که تفسیر، منسوب به ابومسلم ابن مهرايزد باشد؛ زیرا با این وصف تفسیر می تواند از ابومسلم محمدبن بحر اصفهانی باشد و چگونه ممکن است نام تفسیر در تاریخ ابن منده نیامده باشد.^۸ با توجه به معاصر بودن آن دو، حدس قوی بر این است که تفسیر یاد شده از آن ابومسلم محمدبن بحر اصفهانی متوفای ۳۲۲ ق بوده است که ذکر آن در الفهرست با این عبارت آمده:

«أَبُو مُسْلِمٍ مُحَمَّدُ بْنُ بَحْرِ الْأَصْفَهَانِيِّ كَانَ كَاتِبًا مُتْرَسَلًا بَلِيغًا وَ مُتَكَلِّمًا.... وَ لَهُ مِنَ الْكُتُبِ كِتَابُ جَامِعِ التَّأْوِيلِ لِمُحْكَمِ التَّنْزِيلِ عَلَى مَذْهَبِ الْمُعْتَزَلَةِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ كَبِيرٍ وَ كِتَابُ جَامِعِ رَسَائِلِهِ» (ابن ندیم، ۱۳۹۳: ۱۵۱)

در کتاب طبقات المعتزله احمدبن یحیی (م - ۸۹۰ ق) که اسامی اعلام و اکابر معتزلی و مؤلفات آنها در آن آمده، نام ابومسلم ابن مهرايزد در آن دیده نمی شود؛ ولی نام ابومسلم محمد بن بحر و نام تفسیر او در آن آمده است. دیگر مطلب قابل توجه این است که در انباه الرواة قفطی و نیز در آثار و مصنفات علامه شمس الدین ذهبی نامی از ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی نیامده و این حکایت از آن دارد که این دو عالم جلیل را از وی شناخت و آگاهی نبوده است.

در آثار و کتب متأخرین از محققین

به علت تشابه اسمی این دو دانشمند اصفهانی (ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی و ابومسلم محمد بن مهرايزد اصفهانی) گاه خطا و اشتباهاتی از بعضی مؤلفان دیده می شود که حاکی از تردّد و تحیر خود مؤلفان و نویسندگان است مانند موارد ذیل:

۱- در کشف الظنون، ذیل عنوان تفسیر اصفهانی قدیم آمده: آن از ابومسلم ابن محمد بن علی اصفهانی معتزلی ادیب (م - ۴۵۹ ق) است، به نام «جامع التأویل لمحکم التنزیل» چنانکه ذکر آن خواهد آمد - (حاجی خلیفه، ۱۳۸۷: ۴۴۲/۱) و ذیل عنوان «جامع التأویل لمحکم التنزیل» چنین آمده: آن در تفسیر است از محمد بن بحر اصفهانی در گذشته ۳۲۲ ق و آن در ۱۴ مجلد است و شاید وی همان ابومسلم محمد بن علی بن مهرايزد اصفهانی باشد که در «میزان الاعتدال»^۹ ذکر آن آمده (همانجا: ۵۳۸/۱).

۲- در ایضاح المکنون، ذیل عنوان «جامع التأویل» آمده آن از ابومسلم معتزلی است (بغدادی، ۱۳۷۸: ۳۵۲). در اینجا مؤلف تنها به ذکر کنیه «ابومسلم» بسنده کرده که می تواند اشاره به هر یک از دو ابومسلم مذکور باشد و این نشان

می‌دهد، انتساب این تفسیر به این دو ابومسلم مشکوک و مشتبه بوده است.

۳- در هدیه العارفین، ذیل عنوان «الاصبهانی» چنین آمده: «محمد بن علی بن مهرایزد بن بحر ابومسلم الاصبهانی المعتزلی (م- ۴۵۷ق) له من الكتب جامع التأویل لمحكم التنزیل فی التفسیر، ۱۴ مجلد، علی مذهب المعتزله و جامع الرسائل و ناسخ الحدیث و منسوخه» (بغدادی، ۱۳۷۸: ۷۱/۲)

در این کتاب نام هر دو ابومسلم در هم آمیخته، ولی مؤلفات یاد شده هر سه از محمد بن بحر اصفهانی است و تعداد مجلدات هم ۱۴ مجلد ثبت شده است.

۴- آقابرگ تهرانی در الذریعه آورده، تفسیر ابومسلم: «الاصبهانی القديم^۱ كما وصفه فی كشف الظنون هو محمد بن علی بن محمد بن الحسين بن مهريزد الاصبهانی المعتزلی (م- ۴۵۹ق) عن ثلاث و تسعين سنةً كبيراً فی عشرين مجلداً كما فی الشذرات الخ» (تهرانی، بی تا: ۲۵۸/۴، ش ۱۲۱۵) [تفسیر اصفهانی قدیم چنانکه آن را در كشف الظنون توصیف کرده از ابومسلم ابن مهرایزد اصفهانی معتزلی است، در گذشته به سال ۴۵۹ در سنین ۹۳ سالگی و آن تفسیر بزرگی است در بیست مجلد چنانکه در شذرات الذهب آمده].

ولی در مجلد دیگر این کتاب تحت عنوان «جامع التأویل لمحكم التنزیل» آمده: این تفسیر بر اساس عقاید معتزله است و آن را به آنچه در الفهرست ابن ندیم و معجم الادباء در ترجمه و شرح حال ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی آمده است، توصیف کرده و به نقل از حمزه اصفهانی در تاریخ اصفهان نام این تفسیر را «شرح التأویل» یاد کرده و به طور کامل از تفسیر وی سخن رانده و گفته شیخ طوسی، اعلى الله مقامه، هم در مقدمه تفسیر «التبيان» این تفسیر را ستوده و اعتقاد مصنف او را به عدم وقوع نسخ در قرآن مجید از ویژگیهای او آورده است (همانجا: ۴۴/۵). علامه تهرانی در تفسیر منسوب به ابومسلم مطلق آنچه در كشف الظنون و شذرات الذهب آمده نقل کرده است، بدون اینکه در این خصوص اظهار نظر کند؛ ولی در تفسیر محمد بن بحر به تفصیل با تحقیقات خود خصوصیات و ویژگیهای آن را بیان کرده است.

۵- نمونه ای دیگر از موارد اشتباه در شناخت ابومسلم اصفهانی محمد بن بحر در کتاب «التحصیل من الحصول» سراج الدین محمود ارموی (م- ۶۸۲ق) است که در بحث نسخ، ذیل عبارت یجوز نسخ القرآن خلافاً لابی مسلم اصفهانی، در پاورقی ضمن استناد و ارجاع به کتابهای كشف الظنون و المحصول و معالم الاصول امام فخر رازی، و نهاية السؤل جمال الدین عبدالرحیم اسنوی (م- ۷۷۲ق) در شرح منهاج الاصول قاضی بیضاوی (م- ۶۸۵ق) و اللمع امام الحرمین جوینی (م- ۴۷۸ق) و شرح تنقیح الفصول احمد بن ادریس قرافی (م- ۶۸۴ق) و طبقات المعتزله احمد بن یحیی (م- ۸۹۰ق) و ارشاد الاریب یاقوت حموی (م- ۶۲۶ق) و ذکر اختلاف منابع در نام والد ابومسلم که در بعضی «بحر» و در بعضی «عمر» و در بعضی «یحیی» آمده و با دقت بسیار در منابع مذکور، مصحح چنین نتیجه گرفته که ابومسلم اصفهانی مخالف وقوع نسخ در قرآن، ابومسلم محمد بن مهريزين بن بحر معتزلی اصفهانی است. (رک: ارموی، ۱۴۰۸: ۱۳/۲)

در اینجا نیز نام دو ابومسلم به هم پیوسته؛ ولی تاریخ تولد و درگذشت متعلق به محمد بن بحر اصفهانی است و علاوه بر این کلمه «مهريزد» هم به غلط «مهريزين» ثبت شده است.

سمعانی (م- ۵۶۲ق) محقق و منتجع بصیر و یگانه عصر خود، از اوایل سال ۵۳۱ ق تا اوایل سال ۵۳۴ ق در اصفهان

می زیسته است.^{۱۱} ورود او به این شهر ۷۳ یا ۷۵ سال پس از درگذشت ابومسلم بوده و در این وقت عده ای از دانشمندان و محدثین اصفهانی که از محضر ابومسلم استفاده و استماع حدیث کرده بودند هنوز زنده بودند و از مشایخ و مفاخر اصفهان به شمار می رفتند. سمعانی نیز با آنها ملاقات کرده و از محضر بعضی آنان استفاده علمی نموده است برخی از این بزرگان عبارتند از:

۱- ابوبکر محمد بن فضل بن علی خانی (م- ۵۳۲ق) اهل خان لنگان اصفهان، او روایت می کرده از ابومسلم محمد بن علی بن مه‌رئذ نحوی ادیب (سمعانی، ۱۴۰۸: ۵۰۴/۲، ذیل الخانی؛ نیز همان، ۱۴۱۸: ۱۱۸/۲).

۲- ابوالفرج سعید بن ابی الرجاء بن بکر بن منصور صیرفی اصفهانی (م- ۵۳۲ق). سمعانی می گوید: من از او بسیار استفاده کرده و او برای ما روایت می کرد از اصحاب ابوبکر بن مقرئ مثل ابوطاهر ثقفی و ابومسلم بن مه‌رئذ و غیره (همان، ۱۴۰۸: ۵۰۴/۲، ذیل الدوری).

۳- ابو نصر محمد بن احمد بن عبدالله کبریتی قبانی وزان (م- ۵۳۲ق) از مشایخ او ابومسلم بن مه‌رئذ ادیب است و من کتاب «الاولئ» ابو عروبه حرانی را به روایت این شیخ صالح از ابومسلم بن مه‌رئذ ادیب نوشته ام. (همانجا: ۴۴۱/۴، ذیل القبانی).

۴- ابو منصور محمد بن حمد بن عبدالله وزان کبریتی (م- ۵۳۲ق) از جمله مشایخ اوست ابومسلم بن مه‌رئذ ادیب (همانجا: ۵۹۷/۵، ذیل الوزان).

۵- در ترجمه وزیر معروف خواجه نظام الملک ابو علی حسن بن علی بن اسحاق طوسی مقتول رمضان ۴۸۵ ق آمده از مشایخ وی در اصفهان است ۱- ابومسلم محمد بن علی بن مه‌رئذ نحوی ۲- ابومنصور شجاع بن علی مصقلی (همانجا: ۵۹۹/۵، ذیل الوزير)

۶- و ذیل کلمه الزاذانی در ترجمه ابوبکر محمد بن ابراهیم مقرئ اصفهانی که از مشایخ ابومسلم است آمده: آخرین بازماندگانی که از او روایت می کنند ابومسلم محمد بن علی بن مه‌رئذ اصفهانی است. (همانجا: ۱۲۰/۳).

۷- در ترجمه ابوالعز حسن بن هادی علوی (م- ۵۳۱ ق) آمده: او استفاده کرده از ابومسلم محمد بن علی مه‌رئذ ادیب. (سمعانی، ۱۴۱۸: ۶۹/۱).

۸- در ذکر ابوالقاسم بن دقاق غانم بن خلد بن عبدالواحد آورده او استماع حدیث کرده از پسر عمه اش محمد بن احمد جروکانی و او استماع حدیث کرده از گروهی که از آنها است ابومسلم محمد بن علی بن مه‌رئذ ادیب. (همانجا: ۴/۲)

۹- از دیگر بزرگان علمی و مشایخ اصفهان در نیمه اول سده ششم هجری که سمعانی در ایام اقامت خود در اصفهان از محضر او بسیار استفاده کرده، حافظ ابوالقاسم اسماعیل بن محمد بن فضل طلحی (م- ۵۳۱ق) است که الانساب، در وصف او چنین آورده: «کان اماماً فی فنون العلم من التفسیر و الحدیث و اللغة و الادب حافظاً متقناً کبیر الشأن جلیل القدر عارفاً بالمتون و الاسانید سمع الكثير بنفسه و نسخ الخ» (سمعانی، ۱۴۰۸: ۱۲۰/۲، ذیل الجوزی)

[شیخ و استاد ما ابوالقاسم طلحی در علوم مختلف، تفسیر، حدیث، لغت و زبان و ادبیات عرب و حفظ قرآن برتر از همگان بود و مورد اعتماد و آشنا به متون اسلامی و سندیت احادیث و از محضر علمایی بزرگ استفاده کرده بود با ضبط و کتابت]

در سیر اعلام النبلاء نیز از جمله مصنفات او چهار تفسیر نام برده شده که عبارت است از:

۱- تفسیری به نام الجامع، در سی مجلد ۲- الموضح، در سه مجلد ۳- المعتمد، در ده مجلد ۴- دیگری در چهار مجلد (ذهبی، ۱۴۰۶: ۸۰/۲۰).

با توجه به عبارات فوق در کتاب «الانساب» و «التحجیر» سمعانی و تنها توصیف ابن مهریزد به دو وصف نحوی و ادیب بدون وصف مفسر، با وجود در اختیار داشتن او، تاریخ ابوزکریا یحیی بن منده را که مستند قفطی در شناخت تفسیر خریداری شده در شام بوده و بودن آن موجب اعجاب و شگفتی دانشمندان و علماء مصر با آن روحیه تتبع و تحقیق شده، و با وجود سکونت سمعانی در اصفهان که حداقل سه سال به طول انجامید و شرکت در مجالس و محافل علمی این شهر و درک مجلس بزرگانی که نزد ابومسلم سالیانی به فراگیری اشتغال داشته و جلسات خاص وی با ابوالقاسم اسماعیل طلحی مفسر آن عصر اصفهان، بسیار بعید به نظر می رسد که بپذیریم سمعانی از مرتبت والای او در تفسیر قرآن مجید بی اطلاع بوده و یا به عمد از آوردن وصف غالی در عقاید اعتزال و مفسر برای او خودداری کرده است.

برای تحقیق و بررسی بیشتر در شناخت ابومسلم ابن مهریزد به تفاسیر مبسوط و معروف سده های پنجم و ششم و هفتم و اوایل هشتم مانند تفاسیر ذیل مراجعه شد که در هیچ یک از آنها نام و نشانی از او دیده نشد.

۱- تفسیر التبیان از مؤلفات ابوجعفر محمد بن حسن طوسی معروف به شیخ الطائفة (م- ۴۶۰ ق) که بیش از ۳۵ مرتبه نام ابومسلم در آن آمده.

۲- تفسیر مجمع البیان از ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (م- ۵۴۸ و یا ۵۰۲ ق) که بیش از ۳۵۰ مورد نام ابومسلم در آن یاد شده.

۳- تفسیر روض الجنان و روح الجنان از ابوالفتح رازی حسین بن علی (م- نیمه اول قرن ششم اسلامی) قریب ۳۰ مورد نام ابومسلم آمده.

۴- تفسیر مفاتیح الغیب معروف به تفسیر کبیر از امام فخر رازی (م- ۶۰۶ ق) که در آن نیز حدود ۳۵۰ مورد از آراء او یاد شده.

۵- تفسیر غرائب القرآن از نظام نیشابوری قمی حسن بن محمد متوفای بعد از ۷۳۰ ق که در آن نیز بیش از یکصد و پنجاه مورد گفتار وی نقل شده.

۶- تفسیر بحر المحيط از اثیر الدین محمد بن یوسف بن حیان اندلسی (م- ۷۴۵ ق) که در این تفسیر نیز بیش از یکصد و شصت مورد از ابومسلم یاد می شود.

در تفاسیر فوق از ابومسلم با عناوین مختلف مثل: ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی- ابومسلم اصفهانی- ابومسلم ابن بحر اصفهانی- ابومسلم محمد بن بحر- ابن بحر- و یا ابومسلم بدون قیدی زاید یاد شده و در همه موارد منظور همان ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی (م- ۳۲۲ ق) صاحب تفسیر جامع التأویل لمحكم التنزیل است.

در مقدمه تفسیر تبیان مؤلف، مسلک و روش محمد بن بحر اصفهانی و ابوالحسن علی بن عیسی الرمانی را در تفسیر قرآن با این عبارت ستوده است:

وَأَصْلُ مَنْ سَلَكَ فِي ذَلِكَ مَسْلَكًا جَمِيلًا مُقْتَصِدًا مُحَمَّدُ بْنُ بَحْرٍ أَبُو مُسْلِمٍ الْأَصْبَهَانِيُّ وَ عَلِيُّ بْنُ عِيسَى الرَّمَّانِيُّ الْخ.

[بهترین و شایسته ترین مسلک و روش در تفسیر قرآن مجید در میان مفسرین پیشین روش ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی و علی بن عیس رمانی (م- ۳۸۴ ق) است.]

نکته قابل توجه این است که در این تفسیر ذیل آیه شریفه: یا آدمُ اسکن أنتَ وَ زَوْجُکَ الْجَنَّةَ. (بقره / ۳۵) و نیز در تفسیر امام فخر رازی ذیل آیه شریفه اللهُ یَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَ یَمْدُئُهُمْ فی طُغْیانِهِمْ یَعْمَهُونَ. (بقره / ۱۵) گفتاری از ابومسلم محمد بن یحیی اصفهانی به خطا و اشتباه نقل شده که باید اصلاح گردد چه کلمه «بحر» در این عبارت تصحیف^{۱۲} و تغییر یافته به «یحیی» و اصل آن ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی بوده.

از جمله مواردی که نام ابومسلم ابن مهرازد و ذکر تفسیر او آمده در آیات الاحکام قطب راوندی سعید بن هبه الله (م- ۵۷۳ق) معروف به «فقه القرآن» است که با عنوان ابومسلم در ۱۲ مورد و با عنوان ابومسلم ابن مهرازد در هفت مورد و نیز نام ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی در دو مورد آمده است.

در سه مورد از هفت مورد عبارت این است که ابومسلم ابن مهرازد در تفسیرش چنین گفته و در چهار مورد هم آمده «ابومسلم ابن ایزد گفته است» بدون ذکر «در تفسیر خود».

یکی از موارد که با گفتار او در تفسیرش آمده در خصوص اقامه کیفیت نماز خوف است که آن را به نقل از کتاب المولد و المبعث تألیف ابومحمد احمد بن اعثم کوفی (م- ۳۱۴ق) چنین آورده:

پیامبر اکرم صل الله علیه و آله در جنگ ذات الرقاع با کفار، چهار رکعت نماز ظهر را با اصحاب خود به جماعت گزارد، کفار بر این شدند که به هنگام عصر که مسلمانان سلاح را کنار گذاشته و به اقامه نماز جماعت پرداختند بی اطلاع و اعلام، دفعهً بر آنها حمله کنند، ولی قبل از اقامه نماز عصر آیه ۱۰۲ سوره نساء^{۱۳}؛ فرمان و حکم به اقامه نماز خوف بر پیامبر (ص) نازل شد و پیامبر از سوءنیت آنان آگاه گردید، ابن اعثم پس از ذکر این واقعه در این کتاب به بیان کیفیت نماز خوف پرداخته به همان گونه که ابومسلم ابن مهرازد اصفهانی نیز در تفسیرش آورده است.^{۱۴}

با دقت به گفتار فوق دو نکته قابل توجه است:

۱- احمد بن اعثم کوفی به سال ۳۱۴ ق در گذشته و ابن مهرازد قریب شصت سال پس از او تولد یافته و تفسیری از او وجود نداشته تا ابن اعثم بگوید این تفصیل بیان شده همانند آن است که ابن مهرازد در تفسیرش آورده.

۲- و اگر این عبارت را به راوندی نسبت دهیم که خلاف ظاهر عبارت فقه القرآن است این اشکال وجود دارد که انتساب بعضی اقوال به ابومسلم به طور مطلق، حاکی از آن است که راوندی نیز تفسیری از ابومسلم ابن مهرازد را در اختیار نداشته و با مراجعه به تفاسیر یاد شده می یابیم که تعدادی از این موارد که منسوب به ابومسلم مطلق آمده از ابن بحر اصفهانی است.

نتیجه گیری

نظر و عقیده نگارنده بر این است که گرچه ابومسلم ابن مهرازد از بزرگان علمی در سده پنجم اصفهان است و ما فروخی که خود از بزرگان ادب و والامرتب این شهر است از او در محاسن اصفهان یاد کرده؛ ولی ظاهراً بین فضلا و دانشمندان اصفهان و جلسات و محافل علمی آنان با وصف مفسر از او یاد نمی شده است. با وجود این احتمال که به علت شناخت و معرفت کامل به ادبیات عرب و تزلُّع او در این فن، می تواند در تفسیر و تأویل بعضی از آیات قرآنی

نیز صاحب رأی و نظر باشد؛ اما تفسیر مکتوبی از وی به دست نیامده و نام و نشانی نیز در منابع از آن دیده نمی شود و آنچه در تفاسیر به نام ابومسلم اصفهانی یا ابومسلم به طور مطلق آمده، از ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی (م- ۳۲۲ق) صاحب تفسیر جامع التأویل لمحكم التنزیل است که ذکر آن در الفهرست ابن ندیم و مقدمه تفسیر التبیان و ارشاد الاریب یاقوت حموی آمده و شرح آن مبسوط در مجله علمی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۲۸ و ۲۹ بهار و تابستان ۱۳۸۱ با عنوان «ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی نخستین مفسر بزرگ اصفهان» بیان شده و در حقیقت این دو مقاله مکمل و متمم یکدیگرند.

پی نوشتها

- ۱- در بعضی از منابع «مهریزد» بدون الف آمده و در بعضی به جای «ی» آمده «مهریزد» با حرف «ب» و در بعضی از مآخذ کلمه مهریزد اعراب شده به کسر اول و سکون دوم و فتح حرف سوم و سکون «ب» و ضم «ز» که قطعاً نادرست است.
- ۲- ابن مقرئ (م- ۳۸۱ق) صاحب المعجم الکبیر و الاربعین فی الحدیث است. سیر اعلام النبلاء، ۳۹۸/۱۶.
- ۳- سیر اعلام، ۱۸/۱۴۶.
- ۴- حافظ ابوزکریا یحیی بن عبدالوهاب منده (م- ۵۱۲ق) آخرین فرد دانشمند از خاندان علمی منده اصفهانی است و مصنف تاریخ اصفهان (سیر اعلام، ۳۹۵/۱۹).
- ۵- شرف الدین ابوعبدالله محمد بن ابی الفضل مرسی (م- ۶۵۵ق) معجم الادباء، ۳۴۹/۵.
- ۶- ابوالحسن علی ابن یوسف ابراهیم شیبانی ملقب به جمال الدین وزیر است که در شهر حلب سکونت داشته و دارای کتابخانه بزرگی بوده و بسیار مورد علاقه وی. (معجم الادباء، ۳۸۱/۴)
- ۷- الرصافه محلی است در شام که به نام رصافه هشام بن عبدالملک معروف است.
- ۸- منظور ابومسلم ابن مهریزد و صاحب تاریخ اصفهان ابوزکریا یحیی بن منده اصفهانی است (۴۳۴-۵۱۲ هـ ق).
- ۹- در میزان الاعتدال از مؤلفات شمس الدین ذهبی، نامی از ابومسلم محمد بن بحر نیست؛ ولی چنین آمده: محمد بن علی بن مهریزد ابومسلم الاصبهانی الادیب له تفسیر کبیر و کان من کبار المعتزله سمع من ابی بکر بن المقرئ و غیره الخ، ۶۵۵/۳.
- ۱۰- کلمه قدیم در پی اصفهانی آیا منظور ابومسلم مقدم بر ابومسلم دیگری است، از نظر زمان یا تفسیر مقدم و پیشین. در هر صورت متناسب به نظر نمی رسد و این خود حاکی از تزلزل و تحیر مؤلف است، ولی این وصف در کشف الظنون آمده و مرحوم آقا بزرگ تهرانی نیز عیناً آن را آورده و تنها به نقل آن پرداخته. الذریعة ۲۵۸/۴.
- ۱۱- ذکر ورود سمعانی به اصفهان در «الانساب» ج ۱-۲۵۱ ذیل کلمه البئار و در کتاب التحبیر، ۷۱/۱ در ترجمه ابوعبدالله حسین بن احمد بیهقی و در ۳۱/۲ در ترجمه ابوسهل محمد بن ابراهیم آمده است.
- ۱۲- تصحیف به معنای خطا و اشتباه در خواندن کلمه و یا نوشتن و یا جابه جا کردن حروف آن است.
- ۱۳- و اذا کنت فیهم فاقمت لهم الصلوة فلنقم طائفة منهم معک. تا آخر آیه
- ۱۴- عبارت فقه القرآن راوندی (۱۴۹/۱) چنین است: ثم قال ابن اعثم فیجب علی اهل الاسلام الآن اذا صلوا صلاة

الخوف من عدو، ثم فصلّ التفصيل الذى ذكره ابومسلم ابن مهران الاصفهانی فى تفسيره ايضا.

منابع

- ۱- ابوحیان اندلسى، محمد بن يوسف. (۱۴۲۳). البحر المحيط، بيروت: داراحياء التراث العربى.
- ۲- ابوالفتوح رازى، حسين بن على. (۱۳۷۵). تفسير روض الجنان و روح الجنان، آستان قدس رضوى.
- ۳- ابن خلکان، شمس الدين احمد بن محمد. (بى تا). وفيات الاعيان، بيروت: دار صادر.
- ۴- ابن عماد حنبلى، عبدالحق بن احمد. (۱۴۰۶). شذرات الذهب، بيروت: دارابن كثير.
- ۵- ابن نديم، محمد بن اسحاق. (۱۳۹۳). الفهرست، تصحيح مرحوم رضا تجدد، تهران.
- ۶- احمد بن يحيى بن مرتضى. (۱۴۰۹). طبقات المعتزله، بيروت: دارالمنتظر.
- ۷- ارموى، سراج الدين محمود بن ابى بكر. (۱۴۰۸). التحصيل من المحصول، تصحيح و تعليق عبدالحميد على ابوزنيد، بيروت: مؤسسه الرساله.
- ۸- امام فخر رازى، فخرالدين محمد بن عمر. (۱۲۹۴). تفسير مفاتيح الغيب معروف به تفسير كبير، طبع آستانه.
- ۹- _____ . (۱۴۰۸). المحصول فى علم الاصول، بيروت: دارالكتب العلميه.
- ۱۰- بغدادى، اسماعيل بن محمد بن امين. (۱۳۷۸). ايضاح المكنون، تهران: افست مكتبه اسلاميه.
- ۱۱- _____ . (۱۳۷۸). هديه العارفين فى اسماء المؤلفين، تهران: اسلاميه.
- ۱۲- تهرانى، علامه آقا بزرگ. (بى تا). الذريعه الى تصانيف الشيعه، بيروت: دارالاضواء.
- ۱۳- حاجى خليفه، مصطفى بن عبدالله كاتب چلبى. (۱۳۸۷). كشف الظنون عن اسامى الكتب، تهران: افست مكتبه اسلاميه.
- ۱۴- حموى، ياقوت بن عبدالله. (بى تا). ارشاد الاريب، بيروت: داراحياء التراث العربى.
- ۱۵- داوودى، شمس الدين محمد بن على بن احمد. (بى تا). طبقات المفسرين، بيروت: دارالكتب العلميه.
- ۱۶- ذهبى، شمس الدين محمد بن احمد. (۱۴۰۶). سير اعلام النبلاء، بيروت: مؤسسه الرساله.
- ۱۷- _____ . (بى تا). ميزان الاعتدال، بيروت: دارالمعرفه.
- ۱۸- زرکلى، خيرالدين. (۱۳۹۰). الاعلام، بيروت، چاپ سوم.
- ۱۹- سمعانى، ابوسعيد عبدالكريم بن محمد. (۱۴۰۸). الانساب، بيروت: دارالكتب العلميه.
- ۲۰- _____ . (۱۴۱۸). التحبير، بيروت: دارالكتب العلميه.
- ۲۱- سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن. (۱۳۹۹). بغية الوعاة فى طبقات الغويين و النحاة، بيروت.
- ۲۲- _____ . (بى تا). طبقات المفسرين، بيروت: دارالكتب العلميه.
- ۲۳- صفدى، صلاح الدين خليل بن ابيك. (بى تا). الوافى بالوفيات، بيروت: الشركة المتحدّة للتوزيع.
- ۲۴- طبرسى، ابوعلی فضل بن حسن. (۱۳۳۳). تفسير مجمع البيان، طبع صيدا.
- ۲۵- طوسى، شيخ الطائفة محمد بن حسن. (بى تا). تفسير التبيان، بيروت: دار احياء التراث العربى.

- ۲۶- قطب الدین رواندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۵). *فقه القرآن*، قم: مکتبه مرحوم آیت الله نجفی، چاپ دوم.
- ۲۷- قفطی، ابوالحسن علی بن یوسف. (۱۴۰۶) *انباه الرواة علی انباه النحاة*، قاهره: دارالفکر.
- ۲۸- مافروخی اصفهانی، مفضل بن سعد. (۱۳۵۲). *محاسن اصفهان*، تصحیح سید جلال الدین تهرانی، تهران.
- ۲۹- نظام نیشابوری، حسن بن محمد قمی. (۱۲۸۰). *تفسیر غرائب القرآن*، چاپ سنگی.